

## عباس میراب



۴

■ بازیگر: فرهاد قائمیان  
■ فیلم: هیوا

در فیلم «هیوا» شخصیتی وجود دارد به نام «عباس میراب» با بازی فرهاد قائمیان. این رزمنده اردبیلی با لهجه‌ای دل‌نشین و رفتارهای خاص خود جمع رزمندگان را که در حال آماده شدن برای عملیات هستند، سر حال می‌آورد. شخصیت او چنان ملموس است که مخاطب چاره‌ای جز پذیرش آن ندارد. فرهاد قائمیان، بازیگری توانمند است و به خوبی توانست آن چه ملاقلی پور در ذهن دارد را مقابل دوربین به نمایش بگذارد.

## هیوا اکبری



۵

■ بازیگر: گلچهره سجادیه  
■ فیلم: هیوا

«هیوا اکبری» پس از گذشت ۱۵ سال از مفقود شدن همسرش در بحبوحه جنگ، تصمیم می‌گیرد از مناطق جنگی و خانه‌های که در آن با همسرش زندگی می‌کرده، بازدید کند... «هیوا» از معدود فیلم‌هایی است که توانسته بخشی از عاشقانه‌های میان یک رزمنده و همسرش را به تصویر بکشد. کارکرد زن در فیلم «هیوا» برجسته کردن عشق بی‌منت‌های اوست و گلچهره سجادیه چه با ظرافت و نکه داشتن حرمت، این کار را انجام می‌دهد.

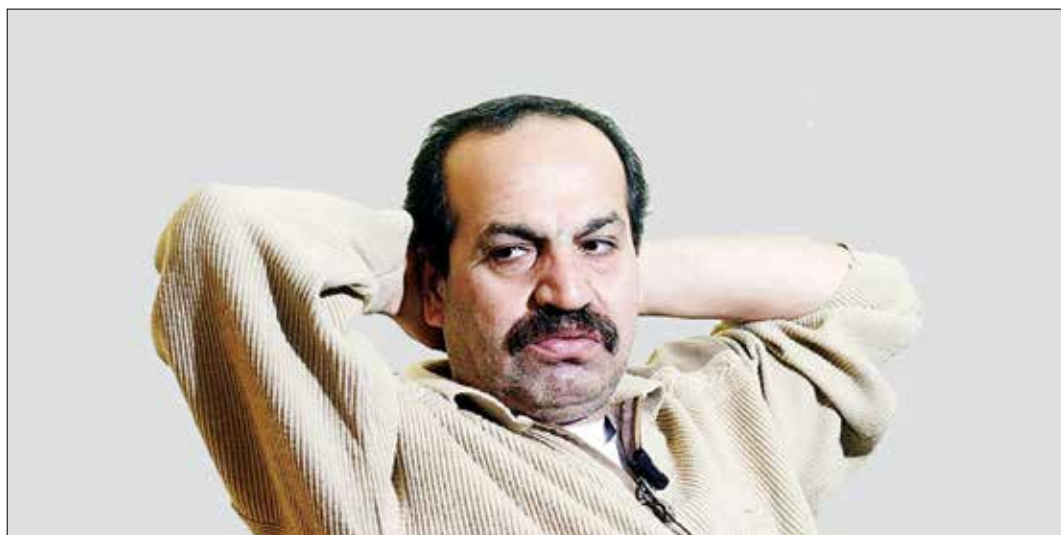
## محمود



۶

■ بازیگر: مهدی احمدی  
■ فیلم: مزرعه پدری

یک سال پس از «شب‌های روشن» که مهدی احمدی در آن خوش درخشیده بود، نوبت به بازی در «مزرعه پدری» رسید. او نقش نویسنده‌ای به نام محمود را بازی کرد که برای بررسی آخرین رمان خود به دزفول می‌رود. در این جلسه صحبت از جنگ می‌شود و خاطرات گذشته به سمت محمود هجوم می‌آورند. آن چه باعث موفقیت شخصیت محمود شده، به بازی خوب احمدی برمی‌گردد. او چهره‌ای آرام و نگاه‌های نافذ دارد و از این نظر متفاوت‌ترین شخصیت آثار زنده‌یاد رسول ملاقلی پور است.



می‌کردند. «نجات یافتگان» همچنان اثری تماشایی است و از معدود آثار مرتبط با تلاش پرستاران.

### سفر به جزایه / ۱۳۷۴

ملاقلی پور این بار هم تجربه‌ای نو در فیلم‌سازی را از سر گذراند. او «سفر به جزایه» را به شکل فیلم در فیلم ساخت. شروع قصه جایی است که یک گروه فیلم‌برداری برای ساخت اثری جنگی آماده می‌شوند که در اتفاقی به گذشته می‌روند. آنها ناظر اتفاقاتی هستند که در یکی از مقاطع مهم دوران دفاع مقدس رخ داده است. خودش گفته: «سفر به جزایه، شخصی‌ترین فیلم زندگی من است. اصلاً به سینما و مخاطب فکر

نمی‌کردم. دلم می‌خواست این فیلم را بسازم که پاسخی باشد به تنها خواسته‌ای که حسن شوکت پور از من داشت. وقتی هنوز شهید نشده بود و من فیلم‌ساز شده بودم، بارها به من گفت که بیا و مردانگی کن و درباره تنگه جزایه فیلم بساز.» ملاقلی پور با این تمهید توانست تصویری تاثیرگذار از دوران دفاع مقدس بسازد.



فیلم «قارچ سمی» با وجود ویژگی‌های مثبت چندان مورد توجه قرار نگرفت. ملاقلی پور روایتی معروف درباره این فیلم دارد: «اگر به ما امکانات فیلم «نجات» سرباز رایان» را بدهند، مانند آنها و حتی بهتر فیلم می‌سازیم. آن فیلم با امکانات هالیوود ساخته شده اما قارچ سمی در ۷۵ روز در سرما و گرما تولید شد و حتی یک پلان کامپیوتری هم ندارد.»

### مزرعه پدری / ۱۳۸۱

رسول ملاقلی پور برای روایت «مزرعه پدری» بار دیگر سراغ تکنیک واقعیت و رویا رفت. او این بار شخصیت محمود شوکتیان را محور قرار داد که برای جلسه نقد و بررسی آخرین کتابش «مزرعه پدری» به اهواز دعوت شده تا در یک همایش ادبی درباره ادبیات جنگ سخنرانی کند. در طول حضور در اهواز و دزفول، رویای همسر و فرزندانش که در بمباران شهید شده‌اند، محمود را رها نمی‌کنند و ما مدام شاهد مهر و محبت این زوج با یکدیگر و فرزندانشان هستیم. فیلم اما در ادامه به عملیات ورود می‌کند و روی خشن جنگ را به تصویر می‌کشد. «مزرعه پدری» آکران سوت‌وکوری هم داشت و همین زمینه اعتراض زنده‌یاد ملاقلی پور را به وجود آورد. با این حال، فیلم در سینمای دفاع مقدس ماندگار است و قابل اعتنا.

### میم مثل مادر / ۱۳۸۵

چهار سال پس از «مزرعه پدری» نوبت به «میم مثل مادر» رسید. فیلمی که داستانی امروزی دارد اما پیامدهای جنگ تحمیلی مبنای قصه است. سپیده (گلشیفته) در بمباران شیمیایی سردشت پرستار بوده و حالا که صاحب فرزند شده، فرزند او از این بیماری رنج می‌برد. «میم مثل مادر» در زمان آکران مورد توجه قرار گرفت و سالن‌های سینما سرشار از اشک و فریاد گریه بود. فیلم پاس داشت زنانی است که هم‌پای مردان از این خاک و آب دفاع کردند... رسول سینمای ایران با این فیلم وداعی باشکوه با سینما داشت. او می‌خواست فیلم «عصر روز دهم» را با موضوع عاشورا بسازد که اجل مهلت نداد. ۱۶ اسفند ماه سال ۱۳۸۵ ملاقلی پور به خواب ابدی رفت و همه را شوکه کرد. نامش اما در تاریخ جاودانه است؛ هر کدام از فیلم‌هایش سندی تاریخی هستند و گوشه‌ای از تاریخ معاصر را در خود دارند. ملاقلی پور دغدغه‌مند بود و از سر تفنن و سرگرمی فیلم نمی‌ساخت؛ دلش هم برای بچه‌های جنگ می‌تپید و هم آدم‌های اطرافش. می‌خواست زبان گویای همه آن‌ها شود؛ گاه با فریاد و گاه با لحنی آرام. روحش شاد.

۱۶ اسفند ماه سال ۱۳۸۵ ملاقلی پور به خواب ابدی رفت و همه را شوکه کرد.

نامش اما در تاریخ جاودانه است؛ هر کدام از فیلم‌هایش سندی تاریخی هستند و گوشه‌ای از تاریخ معاصر را در خود دارند. ملاقلی پور دغدغه‌مند بود و از سر تفنن و سرگرمی فیلم نمی‌ساخت؛ دلش هم برای بچه‌های جنگ می‌تپید و هم آدم‌های اطرافش. می‌خواست زبان گویای همه آن‌ها شود؛ گاه با فریاد و گاه با لحنی آرام.

### هیوا / ۱۳۷۷

پیش از «هیوا»، ملاقلی پور فیلم اعتراضی «کمکم کن» را ساخت که جزو آثار کم‌قبال کارنامه اوست. ملاقلی پور بعد از تجربه موفق که در «سفر به جزایه» داشت (پیوند رویا و واقعیت)، تصمیم گرفت با همان ساختار روایت‌گر عشق یک رزمنده و همسرش باشد. داستان از زمانی جدی می‌شود که برای هیوا خواستگار می‌آید اما او برای یافتن همسر مفقودش به مناطق جنگی می‌رود و در آنجا خاطرات ۱۵ سال پیش با همسر زنده می‌شود. ملاقلی پور برای نشان دادن عشق بازی آن‌ها از تمهید نام‌نگاری استفاده می‌کند؛ این کلمات سحرآمیز به همراه تصاویری که از حمید و هیوا می‌بینیم، بیان‌گر عمق عشق آن‌هاست. «هیوا» جزو آثار ماندگار کارنامه زنده‌یاد ملاقلی پور و همچنین دفاع مقدس است که همچنان طراوتش حفظ شده است.

### قارچ سمی / ۱۳۸۰

مخاطبان عادت کرده بودند که ملاقلی پور بین سوزهای دفاع مقدس و موضوعات روز در رفت‌وآمد باشد. او پس از «هیوا» فیلم «نسل سوخته» را ساخت که دغدغه اصلی آن، مسائل جوان‌ها است. «قارچ سمی» گلابه و فریادی است نسبت به بی‌تفاوتی به بازماندگان جنگ. فیلم در عین حال بخشی از مسائل و مشکلات اجتماعی را مطرح می‌کند که گریبان‌گیر اقشار مختلف جامعه به‌ویژه جوانان است.